



Irano-Islamic Research in Politics, Vol.4, No2, 24-62.

Development of new information and communication technologies and limitation of government powers in Iran (1380-1403)¹

Mohammad Amin Khajeh Hassani ²

Mohammad Mahdi Mojahedi ³

Hadi Khaniki⁴

Abstract

This research examines the role of new information and communication technologies (ICTs)—particularly the internet and virtual social networks—in the limitation of governmental powers in Iran between 2001 and 2024. Adopting the theoretical lens of new institutionalism and grounded theory as its methodological approach, this study provides an in-depth exploration of how digital communication infrastructures have transformed state-society power dynamics in Iran over the past two decades.

The study is rooted in the premise that for any nation to remain within the "narrow corridor of liberty" (Acemoglu & Robinson), a constant balance of power between the state and society is essential. New institutionalist theory views the limitation of government power as a core indicator of political development. In this context, the emergence of ICTs—especially social media—has opened new avenues for civil society to monitor, regulate, and challenge state authority in multifaceted ways.

The research addresses the question: What role have ICTs played in enabling Iranian society to restrict governmental powers from 2001 to 2024? Drawing upon primary qualitative data, the study involved in-depth exploratory

¹. Received: 23/04/2025; Accepted: 08/06/2025; Printed: 22/07/2025

² Department of Political Science and International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. ma.khajehhasani@srbiau.ac.ir

³ Interdisciplinary Studies Research Group, Encyclopedia Research Institute, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. (Corresponding Author) m.mojahedi@ihcs.ac.ir

⁴ Department of Communication, Faculty of Communication Sciences, Allameh Tabatabaiee University, Tehran, Iran. khaniki@atu.ac.ir

interviews with 18 experts in political science and sociology from various Iranian universities. These interviews were transcribed, coded, and analyzed using MaxQDA software to extract grounded concepts and categories.

Findings show that ICTs have significantly reinforced the institutional mechanisms of democratic governance in Iran, particularly in four areas: (1) enforcing governmental accountability, (2) fostering transparency, (3) enabling public oversight of state behavior, and (4) facilitating disclosure of corruption and misconduct. These mechanisms collectively aim to uphold the Rule of Law, a key index that includes regulatory enforcement, civil and criminal justice, open governance, and anti-corruption practices.

Notably, during the 2010s and early 2020s, Iran experienced substantial growth in digital connectivity. The household internet penetration rate reached 79.5% in 2021, and mobile broadband subscriptions exceeded 127%. These figures reflect a drastic expansion in digital access and point to a shift in the public's political engagement from physical to virtual spaces.

Theoretically, the study engages with the paradigms of Manuel Castells and Jan van Dijk. Castells' concept of the "network society" posits that social and political processes are increasingly shaped by informational networks rather than hierarchical institutions. In Iran, this network logic has empowered citizens to act outside traditional channels, promoting decentralized and collective forms of digital political action.

From van Dijk's perspective, digital democracy hinges on active citizen participation through internet-based media. While institutional bottlenecks persist in Iran, ICTs have facilitated a quasi-public sphere where citizens, journalists, and activists collaboratively generate pressure for reform. The internet is not a deterministic force but interacts dialectically with society, reflecting and influencing sociopolitical structures in a reciprocal dynamic.

Importantly, the study emphasizes that the limitation of power is not merely legal or institutional but increasingly technological and communicative. Social media platforms have allowed for the rapid mobilization of public opinion, the viral dissemination of political information, and the exposure of abuses—tools that have challenged the monopoly of state-controlled media and secrecy. Consequently, the digital domain has become an arena where political accountability is demanded and often enforced through civic action. The article further critiques simplistic techno-determinist views. While technology does not automatically democratize societies, it does create enabling conditions under which civil society can assert itself. The effectiveness of ICTs in promoting political development is contingent upon

the responsiveness of political elites, legal frameworks, and institutional openness.

The findings suggest that in Iran, despite state efforts to regulate, filter, and at times suppress digital platforms, the trajectory of ICT development has outpaced regulatory mechanisms. As such, a new sociopolitical landscape is emerging in which digital connectivity amplifies the capacity of society to demand lawful governance and limit arbitrary power.

In conclusion, the study provides empirical and theoretical insights into how ICTs have influenced the recalibration of power between the Iranian state and its society. Drawing on the frameworks of new institutionalism, it argues that political development in the 21st century cannot be separated from the digital infrastructures that mediate state-society interactions. ICTs are not neutral tools but strategic arenas of contestation and negotiation, wherein the boundaries of authority, legitimacy, and participation are being continuously redefined.

Keywords: *New information and communication technologies, political development, limiting government powers, community power, virtual social networks.*



سیاست‌پژوهی اسلامی ایرانی، سال چهارم، شماره دوم (پیاپی چهاردهم)، تابستان ۱۴۰۴، ۲۴-۶۲.

توسعه فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات و تحدید قدرت‌های حکومت در ایران (۱۳۸۰-۱۴۰۳)^۱

محمد امین خواجه‌حسینی^۲

محمد مهدی مجاهدی^۳

هادی خانیکی^۴

چکیده

در دهه‌های اخیر، با گسترش فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، به‌ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، ساختارهای ارتباطی جوامع دچار تحولی بنیادین شده‌اند. این تحولات، مرزهای سنتی کنش سیاسی را دگرگون ساخته و امکان بروز و بسط قدرت جامعه در برابر قدرت حکومت را فراهم کرده‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب نظری نهادگرایی جدید و روش تحقیق کیفی داده‌بنیاد (گراندد تئوری)، به بررسی نقش توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در تحدید قدرت‌های حکومت در ایران طی بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ می‌پردازد. جامعه آماری تحقیق متشکل از ۱۸ تن از صاحب‌نظران برجسته حوزه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی در دانشگاه‌های کشور است که با شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و با آنان مصاحبه عمیق اکتشافی صورت گرفته است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA انجام شده و مقولات اصلی پژوهش به‌صورت استقرایی استخراج گردیده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که در نتیجه گسترش زیرساخت‌های دیجیتال، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، چهار مؤلفه اصلی در تحدید قدرت حکومت تقویت شده‌اند: «پاسخگو کردن»، «شفاف‌سازی»، «نظارت عمومی»، و «افشاگری». این مؤلفه‌ها به‌طور مستقیم با شاخص بین‌المللی حاکمیت قانون در ارتباط هستند و شامل زیرشاخص‌هایی نظیر اجرای مقررات، عدالت مدنی و کیفری، دولت باز، و مبارزه با فساد می‌شوند. بر این اساس، فناوری‌های نوین نه تنها ابزارهایی خنثی، بلکه فضاهایی راهبردی برای بازتعریف توازن قدرت میان جامعه و حکومت‌اند. مقاله ضمن نقد دیدگاه‌های فناورانه ساده‌انگارانه، تأکید می‌کند که تأثیر سیاسی فناوری مشروط به ظرفیت کنش‌گری جامعه و میزان پاسخگویی حکومت است.

واژگان کلیدی: فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، توسعه سیاسی، تحدید قدرت حکومت، نهادگرایی جدید، جامعه شبکه‌ای، حاکمیت قانون.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۱۸؛ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۴/۳۰

۲ گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
ma.khajejhasani@srbiau.ac.ir

۳ گروه پژوهشی- مطالعات بین‌رشته‌ای، پژوهشکده دانشنامه‌نگاری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) m.mojahedi@ihcs.ac.ir

۴ گروه آموزشی ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
khaniki@atu.ac.ir

مقدمه

در سال‌های آغازین قرن بیست‌ویکم، جهان با دگرگونی‌های عمیقی در عرصه فناوری‌های ارتباطی مواجه شد؛ تحولاتی که منجر به پیدایش شکل‌های جدیدی از تعاملات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شده‌اند. ایران نیز همگام با این تحولات، به‌ویژه از اوایل دهه ۱۳۸۰، شاهد رشد فزاینده دسترسی به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بوده که آثار قابل توجهی بر مناسبات قدرت میان جامعه و حکومت بر جای نهاده است.

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که توسعه فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات چه نقشی در تحدید قدرت‌های حکومت در ایران از سال ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ ایفا کرده است؟ در این چارچوب، از منظر نهادگرایی جدید، توسعه سیاسی زمانی محقق می‌شود که قدرت حکومت هم‌زمان با قدرت‌یابی جامعه، در چارچوب‌های قانونی و نهادی مهار و محدود گردد. نهاد جامعه در این میان، با بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی، نقش مؤثری در پایش و کنترل اعمال حکومت ایفا می‌کند.

هدف اصلی این مطالعه، بازخوانی ماهیت جدید توسعه سیاسی در بستر جامعه شبکه‌ای است؛ جایی که اینترنت و رسانه‌های اجتماعی، مرزهای سنتی میان حاکمان و مردم را درنوردیده، کنش سیاسی را از عرصه فیزیکی به عرصه دیجیتال سوق داده‌اند. در این فضا، شهروندان به‌گونه‌ای فزاینده از طریق رسانه‌های تعاملی در فرآیندهای سیاسی مشارکت می‌کنند و از انحصار رسانه‌ای حکومت می‌کاهند. این روند، زمینه‌ساز ظهور شکل‌های نوین مطالبه‌گری و نظارت جمعی شده است که در نهایت به مهار قدرت حکومت در قالب شاخص‌هایی چون شفافیت، پاسخگویی، عدالت و مبارزه با فساد می‌انجامد.

افزون بر این، چالش‌های نوظهور در حوزه حاکمیت دیجیتال، مانند فیلترینگ، نظارت گسترده، و تهدیدات مرتبط با دیکتاتوری دیجیتال، نشان می‌دهد که مسیر توسعه سیاسی در عصر دیجیتال همواره یک‌دست و خطی

نبوده و تعامل پویایی میان ساختارهای نهادی، فناوری، و کنشگری اجتماعی شکل گرفته است. مقاله حاضر با رویکردی تفسیری، در پی فهم این پویایی در زمینه اجتماعی و سیاسی ایران معاصر است.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش در چارچوب پارادایم تفسیری و با رویکردی کیفی طراحی شده است و به‌طور مشخص از راهبرد نظریه داده‌بنیاد (Grounded Theory) با الگوی استراوس و کورین بهره گرفته است. هدف از به‌کارگیری این روش، کشف و تدوین مفاهیم و مقوله‌هایی است که به‌صورت استقرایی از دل داده‌های میدانی استخراج می‌شوند تا در نهایت به تبیینی نظری از پدیده مورد مطالعه دست یابیم.

نوع تحقیق

ماهیت این تحقیق اکتشافی، تبیینی و تفسیری است و با نگاهی عمیق به فرآیندهای اجتماعی و سیاسی در فضای دیجیتال ایران، به دنبال تفسیر معانی نهفته در رفتارها و تجربه‌های زیسته نخبگان سیاسی و ارتباطی کشور است. منطق حاکم بر این مطالعه، استقرایی از جزء به کل بوده و داده‌ها به صورت کیفی و در بستر طبیعی گردآوری شده‌اند.

جامعه پژوهش و روش نمونه‌گیری

جامعه پژوهش شامل خبرگان دانشگاهی و نخبگان فکری حوزه‌های علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی در ایران است. روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند بوده و بر اساس معیارهای کفایت اطلاعاتی و اشباع نظری انجام شده است. معیار انتخاب مصاحبه‌شوندگان، برخوردار بودن از تجربه زیسته و دانش تخصصی در زمینه تعاملات جامعه و حکومت در بستر فضای مجازی بود.

گردآوری داده‌ها

داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته اکتشافی با ۱۸ تن از اساتید و پژوهشگران برجسته در دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌های علوم سیاسی کشور گردآوری شده‌اند. مصاحبه‌ها ضبط، پیاده‌سازی و سپس تحلیل شده‌اند.

ابزار تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها بر اساس سه مرحله کدگذاری نظریه داده‌بنیاد طبق الگوی استراوس و کورین انجام شده است:

کدگذاری باز: (Open Coding) برش داده‌ها به واحدهای مفهومی اولیه و شناسایی مفاهیم و مضامین کلیدی؛

کدگذاری محوری: (Axial Coding) برقراری ارتباط بین مقولات، شناسایی شرایط، تعاملات و پیامدها؛

کدگذاری انتخابی: (Selective Coding) استخراج مقوله هسته و تدوین چارچوب نظری نهایی پیرامون نقش فناوری‌های اطلاعاتی در تحدید قدرت حکومت.

اعتبارسنجی داده‌ها

برای اعتبارسنجی داده‌ها از روش‌های مثلث‌سازی نظری، بازبینی اعضا (member check) و مقایسه مداوم داده‌ها استفاده شد. اشباع نظری زمانی حاصل شد که تحلیل‌های جدید مفاهیم تازه‌ای تولید نمی‌کردند.

ابزار پشتیبان تحلیل

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار تخصصی MaxQDA انجام شده است. این نرم‌افزار امکان کدگذاری نظام‌مند، ترسیم شبکه مفهومی و طبقه‌بندی محتوایی داده‌ها را فراهم کرده و موجب ارتقای شفافیت و دقت در فرآیند تحلیل کیفی شده است.

پیشینه پژوهش

مطالعه تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات بر مناسبات قدرت سیاسی، به‌ویژه در بستر فضای مجازی، یکی از موضوعات نسبتاً نوظهور در ادبیات علوم سیاسی ایران به شمار می‌رود. در این بخش، ابتدا به مرور مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی و سپس به بررسی مطالعات بین‌المللی مرتبط پرداخته می‌شود.

الف) پژوهش‌های داخلی

در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی به بررسی نقش اینترنت و فضای مجازی در تحولات سیاسی ایران پرداخته‌اند:

سریرنی و خیابانی (۲۰۱۰) در کتاب بلاگستان: اینترنت و سیاست در ایران با رویکردی تاریخی به رابطه رسانه و دولت در ایران، تلاش کرده‌اند تحلیلی از تأثیر اینترنت بر فرهنگ سیاسی و فضای اجتماعی ارائه دهند. پرسش محوری آن‌ها این است که آیا فراگیر شدن اینترنت، نوعی فرهنگ نوین فعالیت سیاسی را به‌وجود آورده است؟ آن‌ها سعی کرده‌اند وضعیت سیاست در فضای سایبر را واکاوی کنند.

جعفری و روحانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان بررسی نقش اینترنت در توسعه سیاسی، به جایگاه اینترنت و ارتباطات رایانه‌ای در تحقق توسعه سیاسی پرداخته‌اند.

قلی‌پور (۱۴۰۲) در کتاب اینترنت و رفتار سیاسی در ایران تأثیر اینترنت و ساختار رسانه‌ای نوین را بر جنبه‌های مختلف رفتار سیاسی ایرانیان بررسی کرده است. وی اینترنت را حوزه عمومی نوینی می‌داند که بسته به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر کشور، پیامدهای متفاوتی دارد. از دیدگاه او، اینترنت به‌رغم ماهیت جهانی و ساختار تکنولوژیک واحد، در تعامل پیچیده با ساختار اجتماعی هر کشور بازتاب می‌یابد و نه صرفاً ابزار قدرت است و نه عامل مطلق تغییر.

رحمانی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با عنوان فضای مجازی و افکار عمومی سیاسی، نقش رسانه‌های اجتماعی را در شکل‌گیری افکار عمومی و افزایش شفافیت برجسته کرده‌اند، هرچند تمرکز آن‌ها بر افکار عمومی بوده، نه نهادهای قدرت.

نصیری (۱۴۰۰) در پژوهشی توصیفی-تحلیلی درباره فناوری اطلاعات و پاسخ‌گویی سیاسی، رابطه‌ای مثبت میان توسعه ICT و مطالبه‌گری سیاسی در ایران گزارش کرده است، اما فاقد چارچوب نظری نهادگرایانه بوده است.

احمدی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی نقش اینترنت در تقویت نهاد جامعه مدنی پرداخته‌اند، اما تحلیل آن‌ها عمدتاً توصیفی بوده و تمرکز مشخصی بر چگونگی تحدید یا توزیع قدرت نداشته است.

در مجموع، علی‌رغم تلاش‌های قابل‌توجه پژوهشگران داخلی در این حوزه، بیشتر این مطالعات فاقد تمرکز نظری بر نهادگرایی جدید و تحلیل مناسبات قدرت از منظر شاخص‌های حکمرانی و روش‌شناسی کیفی اکتشافی بوده‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب نظری نهادگرایی جدید و روش داده‌بنیاد (Grounded Theory)، و تمرکز بر شاخص‌هایی چون حاکمیت قانون و پاسخ‌گویی سیاسی، درصدد پر کردن این خلأ مفهومی و روشی است.

ب) پژوهش‌های خارجی

در سطح بین‌المللی، مطالعات متعددی به بررسی تأثیر فناوری اطلاعات بر ساختارهای قدرت سیاسی پرداخته‌اند:

Howard (2010) در کتاب *The Digital Origins of Dictatorship and Democracy* نشان می‌دهد که اینترنت می‌تواند هم در خدمت گسترش دموکراسی و هم در تقویت اقتدارگرایی قرار گیرد، بسته به نوع رژیم حاکم.

Castells (2012) در کتاب *Networks of Outrage and Hope* نقش شبکه‌های اجتماعی را در سازمان‌دهی اعتراضات، بسیج جمعی و تضعیف مشروعیت سیاسی دولت‌ها تحلیل می‌کند.

Morozov (2011) در *The Net Delusion* با رویکردی انتقادی، استدلال می‌کند که فناوری‌های دیجیتال می‌توانند به ابزاری برای سرکوب و نظارت حکومتی تبدیل شوند، به‌ویژه در دولت‌های غیرلیبرال.

Diamond (2010) با طرح مفهوم دموکراسی دیجیتال، بر این باور است که فناوری در صورت وجود نهادهای دموکراتیک می‌تواند شفافیت، پاسخ‌گویی و نظارت عمومی را ارتقا دهد.

Margetts و همکاران (۲۰۱۵) در کتاب *Political Turbulence*، با تحلیل رفتارهای دیجیتالی کاربران در بستر کلان‌داده‌ها، نشان می‌دهند که چگونه کنش‌های کوچک آنلاین (مانند لایک کردن، امضای دادخواست‌ها یا اشتراک‌گذاری محتوا) می‌توانند به موج‌های اعتراضی و اقدامات جمعی گسترده‌تری منجر شوند؛ گرچه بسیاری از این موج‌ها به دلایل مختلف شکست می‌خورند.

Bimber, Lupia & Schudson به بازنگری منطق مشارکت سیاسی در عصر دیجیتال پرداخته و استدلال می‌کنند که اینترنت فرصت‌ها و انگیزه‌های مشارکت جمعی را بازتعریف کرده است.

Benkler در کتاب *The Wealth of Networks* به تحلیل قدرت تولید مشارکتی در اینترنت و تأثیر آن بر توانمندسازی شهروندان می‌پردازد.

Shirky در کتاب *Here Comes Everybody* به سازماندهی خودجوش کنش‌های جمعی در بستر شبکه‌ها پرداخته، هرچند عمدتاً بر روایت‌های فردی و تحلیل‌های نظری استوار است تا داده‌های تجربی.

Chadwick در آثار خود از جمله *The Hybrid Media System*، به چرخه اطلاعات سیاسی و نقش پلتفرم‌های نوین مانند ویکی‌لیکس در بازتعریف قدرت رسانه‌ای پرداخته است.

Bennett & Segerberg (2013) در *The Logic of Connective Action*، از منطق جدیدی در کنش جمعی پرده برمی‌دارند که در آن، شبکه‌های خودسامان به جای سازمان‌های سنتی، نقش سازمان‌دهنده جنبش‌های نوین مانند جنبش اشغال‌وال‌استریت را ایفا می‌کنند.

Petit (2004) نیز در پژوهشی درباره جنبش‌های اینترنتی، اینترنت را بستر تسهیل شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی جدید می‌داند که از طریق انتشار سریع اطلاعات، امکان بسیج عمومی را فراهم می‌سازد.

برآیند این مطالعات نشان می‌دهد که فناوری‌های ارتباطی، بسته به زمینه سیاسی و نهادی هر کشور، می‌توانند هم در جهت تقویت دموکراسی و هم در راستای تثبیت اقتدارگرایی عمل کنند. به عبارتی، تأثیر فناوری بر قدرت سیاسی، دوسویه و مشروط است.

جمع‌بندی و جایگاه پژوهش حاضر

مرور پیشینه نشان می‌دهد که با وجود مطالعات ارزشمند داخلی و خارجی درباره نقش فناوری اطلاعات در عرصه سیاسی، همچنان خلأهایی در ادبیات پژوهش وجود دارد:

فقدان تحلیل نهادی از ساختار قدرت سیاسی، تمرکز اندک بر شاخص‌های بین‌المللی حکمرانی (مانند حاکمیت قانون)، و نبود روش‌شناسی کیفی اکتشافی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای.

پژوهش حاضر با هدف رفع این کاستی‌ها، با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی نهادگرایی جدید و روش داده‌بنیاد، در پی تحلیل روند تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات بر توازن قدرت سیاسی در ایران در دو دهه اخیر است.

مبانی مفهومی و نظری

مقدمه نظری

در پژوهش حاضر، تحلیل نقش فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در تحدید قدرت حکومت، در چارچوب نظریه‌های نهادگرایی جدید، جامعه شبکه‌ای و قدرت ارتباطی صورت می‌گیرد. رویکرد نظری اتخاذشده، چندسطحی و ترکیبی است؛ بدین معنا که از یک سو به بنیان‌های ساختاری و نهادی قدرت در دولت می‌پردازد، و از سوی دیگر، به تحولات ناشی از فناوری و شبکه‌های ارتباطی در جامعه توجه دارد. به بیان دیگر، نقطه عزیمت نظری این پژوهش، تلاش برای درک سازوکارهای نوپدید بازتوزیع قدرت سیاسی در عصر دیجیتال است.

نهادگرایی جدید و مهار قدرت حکومت

نهادگرایی جدید (New Institutionalism) با تأکید بر نقش نهادها در شکل‌دهی به رفتار سیاسی، بر این فرض استوار است که توسعه سیاسی زمانی محقق می‌شود که نهادهای مستقل و پایدار بتوانند قدرت حکومت را مهار، محدود و پاسخگو کنند. در این چارچوب، «نهاد جامعه» و «نهاد دولت» باید در یک وضعیت توازن ساختاری قرار گیرند تا از تمرکز یا انحصار قدرت جلوگیری شود. (Acemoglu & Robinson 2012).

از منظر عجم‌اوغلو و رابینسون، جوامعی که دارای نهادهای فراگیر سیاسی و اقتصادی هستند، قادرند مسیر توسعه را به گونه‌ای طی کنند که در آن قدرت حکومت توسط نهادهای اجتماعی محدود شود. نهادهای مشارکتی، مطبوعات آزاد، احزاب، شبکه‌های اجتماعی، و جامعه مدنی، نقش اساسی در تحقق این کنترل نهادی ایفا می‌کنند. در ایران، با گسترش اینترنت و ابزارهای دیجیتال، نهادهای غیررسمی نیز نقش پررنگ‌تری در بازخواست قدرت ایفا کرده‌اند؛ هرچند در سایه تهدیدها و محدودیت‌های رسمی.

جامعه شبکه‌ای و ساختارزدایی از قدرت متمرکز

نظریه جامعه شبکه‌ای (Network Society) که به‌ویژه توسط مانوئل کاستلز (Castells, 2000) مطرح شده، بر این نکته تأکید دارد که در عصر اطلاعات، ساختارهای قدرت کلاسیک به چالش کشیده می‌شوند. جامعه شبکه‌ای، متشکل از بازیگرانی است که درون شبکه‌های دیجیتال به یکدیگر متصل شده‌اند و خارج از سلسله‌مراتب‌های سیاسی رسمی عمل می‌کنند. در این فضا، قدرت از بالا به پایین جریان ندارد، بلکه در شبکه‌های افقی، پراکنده و سیال است.

در چنین ساختاری، شهروندان می‌توانند به‌واسطه رسانه‌های اجتماعی به بازیگران مؤثر سیاسی تبدیل شوند، نهادهای قدرت را به پاسخگویی وادارند و حتی فرآیندهای سیاست‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهند. نظریه کاستلز

نشان می‌دهد که قدرت در جامعه اطلاعاتی، دیگر صرفاً در نهاد حکومت متمرکز نیست، بلکه در جریان‌های اطلاعاتی شکل می‌گیرد.

قدرت ارتباطی و دموکراسی دیجیتال

از منظر تئو ون دایک (van Dijk, 2006) و دیگر نظریه‌پردازان قدرت ارتباطی، کنترل گفتمان رسانه‌ای یکی از مهم‌ترین منابع قدرت سیاسی است. در نظام‌های بسته، دولت‌ها با انحصار رسانه، روایت مسلط را تولید و بازتولید می‌کنند. اما در عصر رسانه‌های اجتماعی، این انحصار دچار ترک شده است. کاربران می‌توانند روایت‌های بدیل بسازند، افشاگری کنند، اعتراض سازمان‌دهی کنند و مشروعیت حاکم را به چالش بکشند.

نظریه دموکراسی دیجیتال نیز بر این بنیان استوار است که فضای مجازی می‌تواند به عرصه‌ای برای مشارکت، شفافیت، و کنترل اجتماعی قدرت تبدیل شود، به شرط آن که زیرساخت‌های نهادی و حقوقی لازم فراهم باشد. این نظریه‌ها نشان می‌دهند که فناوری به‌خودی‌خود دموکراتیک‌کننده نیست، بلکه بستگی به ظرفیت کنشگری جامعه و فضای نهادی دارد.

جمع‌بندی چارچوب مفهومی

از تلفیق این سه رویکرد می‌توان چارچوبی تحلیلی برای پژوهش ترسیم کرد که در آن:

فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، به‌مثابه ابزارهایی نهادی و شبکه‌ای، می‌توانند در مهار قدرت حکومت مؤثر باشند؟

این مهار از مسیرهایی چون افزایش شفافیت، مطالبه‌گری، نظارت عمومی و افشاگری سیاسی رخ می‌دهد؟

اما تحقق این ظرفیت، نیازمند شرایطی مانند آزادی نسبی گردش اطلاعات، دسترسی برابر، سواد رسانه‌ای و حمایت نهادی از حقوق دیجیتال شهروندان است.

بر این اساس، توسعه سیاسی در ایران امروز، در پیوندی تنگاتنگ با تحول نهادهای اطلاعاتی و ارتباطی، و در دل پویایی میان جامعه شبکه‌ای و دولت اقتدارگرا، قابل فهم است.

بررسی وضعیت جهان و ایران در «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات»*

نگاهی کوتاه به توسعه اینترنت در دنیا

آمارهای متعددی از میزان دسترسی مردم جهان به اینترنت وجود دارد که هیچکدام تفاوت قابل ملاحظه‌ای با یکدیگر ندارند و همگی نشانگر افزایش چشم‌گیر میزان دسترسی مردم به اینترنت است.

«شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» ابزاری برای سنجش سطح توسعه زیرساخت‌ها و خدمات ارتباطی در یک کشور است که بر اساس مجموعه‌ای از شاخص‌های فرعی در دو ستون اصلی «ارتباط فراگیر»^۱ و «ارتباط با کیفیت»^۲، سنجیده می‌شود. در این پژوهش این شاخص‌ها مطابق با آخرین گزارش اتحادیه بین‌المللی مخابرات در سال ۲۰۲۴ به شرح زیر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند:

پس از افتتاح روش‌شناسی جدید در سنجش «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» ۲۰۲۳، «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و

* ICT Development Index (IDI)

¹ Universal Connectivity Pillar

² Meaningful Connectivity Pillar

ارتباطات» ۲۰۲۴ نتایج قطعی و پایداری را در امتیازات کلی و توزیع آنها در مناطق و گروه‌های درآمدی نشان داد.

میانگین نمره جهانی ۷۴/۸ در مقیاس صفر تا ۱۰۰ نشان دهنده پیشرفت قابل توجهی به سمت ارتباط فراگیر و باکیفیت است. با این حال، بسیاری از اقتصادها هنوز در مراحل اولیه توسعه دیجیتال هستند و امتیازات آنها به ۲۱/۳ می‌رسد. ارتباط همچنان با توسعه مرتبط است و شکاف عمیق بین کشورهای غنی و فقیر را برجسته می‌کند؛ اما تغییرات قابل توجه در درون مناطق، هر مفهومی از جبر منطقه‌ای را رد می‌کند.

The ICT Development Index 2024

Figure A1.2: Structure of the ICT Development Index

ICT Development Index		
Universal connectivity pillar	Meaningful connectivity pillar	
Proportion of individuals who used the Internet (from any location) in the last 3 months	Mobile network coverage Percentage of the population covered by at least a 3G mobile network	Mobile data and voice high-consumption basket price (% of GNI per capita)
Proportion of households with Internet access at home	Percentage of the population covered by at least a 4G/LTE mobile network	Fixed-broadband Internet basket price (as % of GNI per capita)
Active mobile-broadband subscriptions per 100 inhabitants	Mobile broadband Internet traffic per mobile broadband subscription (GB)	Percentage of individuals who own a mobile phone
		Fixed broadband Internet traffic per fixed broadband subscription (GB)

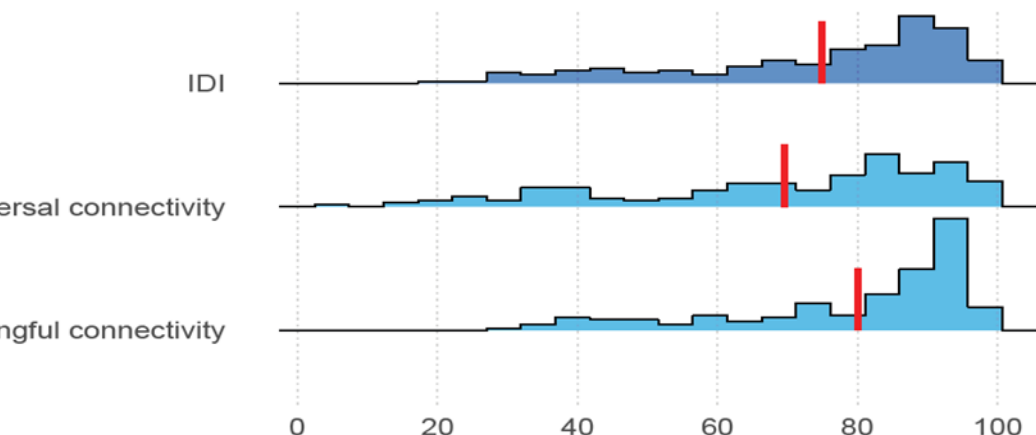
همان‌طور که در شکل ۱ ملاحظه می‌کنید امتیاز سراسری «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» و دو ستون اصلی آن، از صفر تا ۱۰۰ متغیر است. امتیاز ۱۰۰ مربوط به وضعیتی است که آن اقتصاد یا گروه در هر شاخص جزء، به ارزش هدف تعیین شده رسیده است. نمره صفر مربوط به وضعیت فرضی اقتصاد بدون اینترنت، بدون پوشش پهنای باند تلفن همراه، بدون اشتراک پهنای باند تلفن همراه، ترافیک داده صفر و غیره است.

شکل ۱ توزیع امتیازات کشوری را برای اجزای اصلی «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» نشان می‌دهد. میانگین امتیاز «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» ۲۰۲۴ برای ۱۷۰ اقتصاد ۷۴,۸ است. کمترین امتیاز ۲۱,۳ و بالاترین آن ۱۰۰,۰ است. چهل و دو اقتصاد دارای امتیاز «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» بین ۹۰ تا ۱۰۰ هستند. چهل و نه اقتصاد دیگر دارای امتیاز بین ۸۰ تا ۹۰ هستند. در انتهای دیگر مقیاس، بیست و نه اقتصاد زیر ۵۰ و نه اقتصاد دیگر دارای امتیاز بین ۵۰ تا ۶۰ هستند.

این نتایج نشان می‌دهد که بسیاری از کشورهای جهان در مسیر خود به سمت «ارتباط فراگیر و باکیفیت» به خوبی پیشرفت کرده‌اند، به طوری که بیش از نیمی از اقتصادها از مرز ۸۰ امتیاز (میانگین ۸۲,۰) عبور کرده‌اند. با این حال، نیمی از اقتصادهای با امتیاز پایین در یک محدوده ۶۰ امتیازی (از ۲۱,۳ تا ۸۲,۰) با چندین امتیاز کمتر از ۲۰ پراکنده شده‌اند.

The ICT Development Index 2024

Distribution of scores for IDI 2024 and the pillars



توسعه اینترنت و بررسی وضعیت ایران در «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» از نگاه «اتحادیه بین‌المللی مخابرات»

ورود اینترنت به ایران برای نخستین بار به سال ۱۳۶۸ باز می‌گردد. البته آن زمان به آن بیت‌نت^۱ گفته می‌شد. سیاوش شهشهانی، استاد بازنشسته دانشگاه صنعتی شریف و قائم‌مقام سابق مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات، اولین تجربه ایران در ارتباط با شبکه جهانی را مربوط به پاییز سال ۱۳۷۱ می‌داند. در آن زمان دانشگاه لینس اتریش از طریق بنیاد شبکه پژوهشی اروپا EARN به مرکز تحقیقاتی فیزیک نظری و ریاضیات متصل شد.

^۱BitNet

دی ماه همان سال برای اولین بار داده‌هایی از طریق پروتکل NJE بین ایران و اتریش رد و بدل شد.

اواخر سال ۷۲ بود که پروتکل TCP/IP در ایران به راه افتاد. در آن زمان شبکه اینترنت ما زیرشبکه‌ای از دانشگاه وین بود و در انتهای آدرس‌های اینترنتی نشانی دانشگاه وین یعنی univie.at به چشم می‌خورد. ظرفیت اتصال کل کشور به اینترنت نیز 9.8 کیلوبیت بر ثانیه بود. در شرایطی که هنوز سرویس‌های وب و فایل‌های گرافیکی در اینترنت ارائه نمی‌شدند این سرعت برای تبادل ایمیل کافی به نظر می‌آمد. بالاخره در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۷۳ دامنه دات آی آر هم به ثبت می‌رسد. دسترسی مردم ایران به اینترنت در ۲۰ سال اخیر و به ویژه دهه ۹۰ خورشیدی با رشدی قابل‌توجهی همراه بوده. سیاستگذاران و مجریان قانون نیز غالباً به دنبال توسعه زیرساخت‌های اینترنت در کشور بوده‌اند.

طبق اعلام سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی کشور ضریب نفوذ اینترنت پهن‌بند در کشور از 7.63 درصد در سال ۹۲ به ۱۲۰٫۲۴ درصد در سال 1400 رسیده‌است. همچنین میزان دسترسی مردم به اینترنت پهن‌بند سیار نیز رشدی چشم‌گیر داشته است. این رقم از صفر درصد در سال ۹۲ به ۱۰۷٫۵۵ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده‌است.

تعداد اشتراک پهن‌بند ثابت از ۵۸ هزار و ۳۱۰ اشتراک در سال ۹۲ به ۱۰ میلیون و ۶۶۱ هزار و ۲۴۸ اشتراک در سال 1400 و در حوزه اینترنت پهن‌بند سیار هم از اشتراک صفر در سال ۹۲ به ۹۰ میلیون و ۳۵۴ هزار و ۴ اشتراک در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

سال

حوزه فناوری اطلاعات
سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی

۹۰,۳۵۴,۰۰۴

تعداد مشترکین اینترنت پهن باند سیار

۱۰,۶۶۱,۲۴۸

تعداد مشترکین اینترنت پهن باند ثابت

۱۰۱,۰۱۵,۲۵۲

تعداد مشترکین اینترنت پهن باند

%۱۷.۵۵

ضریب نفوذ اینترنت پهن باند سیار

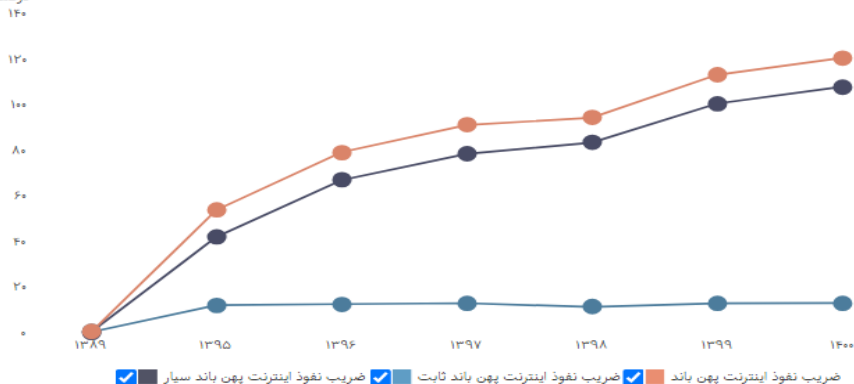
%۱۲.۶۹

ضریب نفوذ اینترنت پهن باند ثابت

%۱۲۰.۲۴

ضریب نفوذ اینترنت پهن باند

درصد

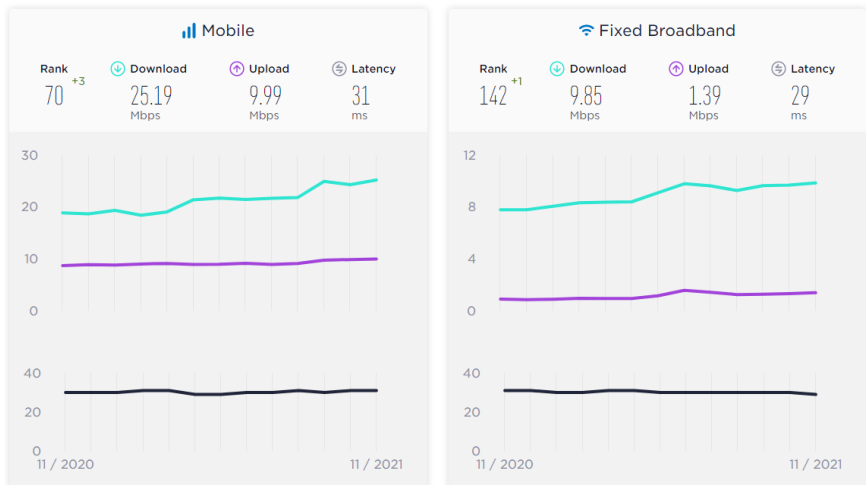


ضریب نفوذ اینترنت پهن باند سیار ضریب نفوذ اینترنت پهن باند ثابت ضریب نفوذ اینترنت پهن باند

-- (infodash@cra.ir) (یشتیانی: c)

آخرین تاریخ به روز رسانی: ۱۴۰۰/۰۹/۲۳

مطابق نتایج آخرین ردیابی سرعت اینترنت در نوامبر ۲۰۲۱ در ایران توسط شاخص جهانی Speedtest، میانه سرعت دانلود اینترنت پهن باند سیار ۲۵،۱۹ مگابیت بر ثانیه و میانه سرعت دانلود اینترنت پهن باند ثابت ۹،۸۵ مگابیت بر ثانیه بوده است.



Iran Median Speeds November 2021

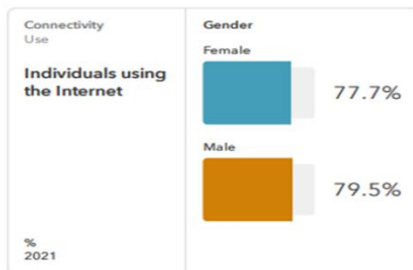
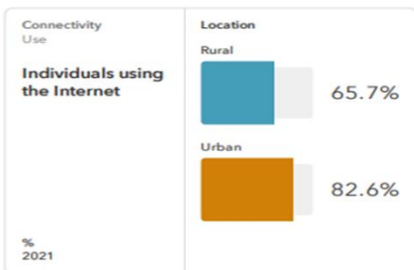
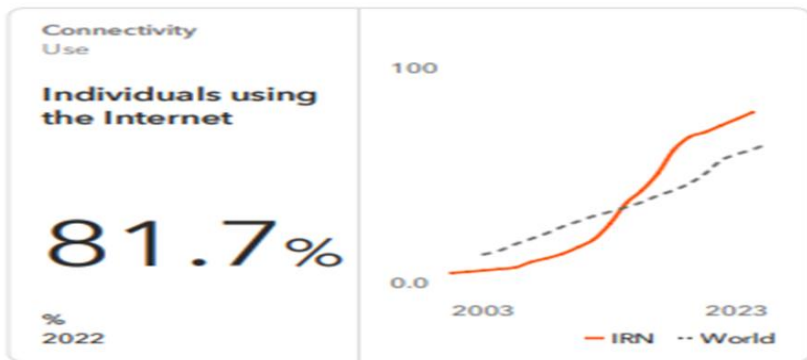
و اما در آخرین گزارشی که اتحادیه بین‌المللی مخابرات در قالب «شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات» ۲۰۲۴ منتشر کرد وضعیت ایران به گونه زیر تشریح شده است:

ارتباط فراگیر^۱

این بخش بر دسترسی افراد و خانوارها به اینترنت تمرکز دارد و شامل سه شاخص فرعی است:

¹ universal connectivity

نسبت افرادی که از اینترنت (از هر مکانی) در سه ماه گذشته استفاده کرده-



اند.

این شاخص بیانگر نرخ نفوذ اینترنت در میان جمعیت کشور است. به عبارت دیگر این شاخص نشان‌دهنده درصد کل جمعیتی است که در سه ماه گذشته به هر شکلی، چه از طریق شبکه تلفن ثابت و چه از طریق شبکه تلفن همراه در هر مکانی از اینترنت استفاده کرده‌اند.

نسبت خانوارهایی که در خانه به اینترنت دسترسی دارند. اتحادیه جهانی مخابرات در آخرین گزارش شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات، نسبت خانوارهایی که در جمهوری اسلامی ایران به اینترنت دسترسی دارند را در سال ۲۰۲۱، هفتادونه و نیم (۷۹,۵) درصد به ثبت رسانده‌است.

قابلیت اتصال

قابلیت اتصال
دسترسی داشته باشید

خانوارهایی که در
خانه به اینترنت
دسترسی دارند

%
2021

مکان

روستایی



69.2

%

شهری



82.5

اشتراک فعال پهن‌بند سیار در هر ۱۰۰ نفر

قابلیت اتصال
دسترسی داشته باشید

اشتراک‌های فعال
باند پهن تلفن همراه

120

به ازای هر 100 نفر
2023

130

0.0

2003

2023

— IRN - - جهان

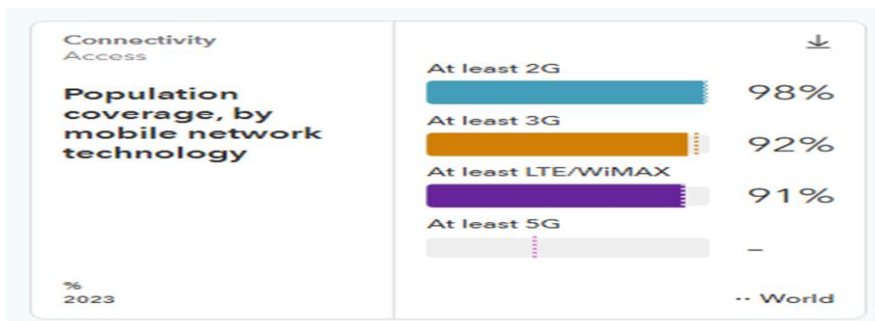


ارتباط با کیفیت^۱

الف. پوشش شبکه تلفن همراه

درصد جمعیت تحت پوشش حداقل یک شبکه همراه اول 3G

درصد جمعیت تحت پوشش حداقل یک شبکه همراه اول 4G/LTE



ب. ترافیک اینترنت پهن‌بند سیار در هر اشتراک پهن‌بند تلفن همراه (گیگابایت)

¹ meaningful connectivity

پ. قیمت سبد کم مصرف داده تلفن همراه و صدا (درصد از درآمد ناخالص ملی سرانه).



ت. قیمت سبد کم مصرف تلفن همراه فقط داده (درصد از درآمد

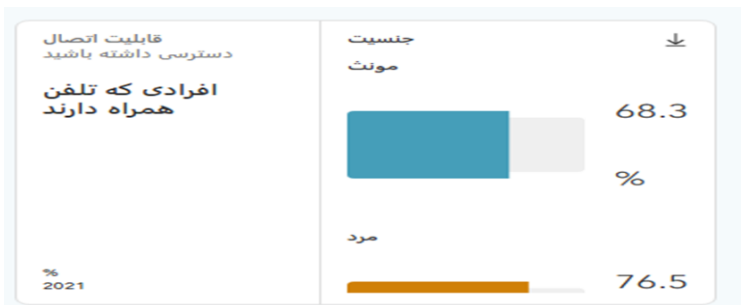


ناخالص ملی سرانه).

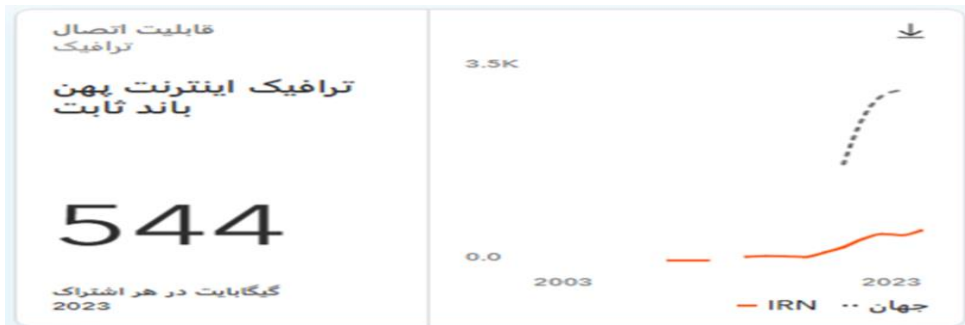
ث. قیمت سید اینترنت پهن باند ثابت (به عنوان درصدی از درآمد ناخالص ملی سرانه)



ج. درصد افرادی که گوشی تلفن همراه دارند.



ج. ترافیک اینترنت پهن‌بند ثابت در هر اشتراک پهن‌بند ثابت)



گیگابایت)

تحدید قدرت‌های حکومت در ایران در بستر فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات

از منظر نهادگرایی جدید هر کشوری برای ورود به دالان باریک آزادی و یا حفظ خود در داخل آن، باید از ویژگی توازن قدرت میان جامعه و حکومت به صورت مداوم برخوردار باشد. یکی از شاخص‌های مهم حفظ این توازن، تحدید قدرت‌های حکومت در ابعاد مختلف توسط نهاد جامعه است. تحدید قدرت‌های حکومت یکی از شاخص‌های اساسی توسعه سیاسی در نگاه نهادگرایان جدید است که مؤلفه‌های آن از مهمترین حوزه‌های متأثر از بستر فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند. نهاد جامعه در کنار توسعه نظارت‌پذیر حوزه عمل حکومت، برای حفظ نهاد حاکمیت قانون از طریق فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی، به طور دائم به پایش و تحدید قدرت‌های حکومت می‌پردازد. در این مقاله موضوع تحدید قدرت‌های حکومت در بیست سال گذشته در ایران در بستر اینترنت مورد تحقیق و تحلیل قرار گرفته‌است. در این مطالعه با هجده نفر از خبرگان صاحب نظر در این حوزه با تحصیلات دکتری تخصصی علوم سیاسی، از دانشگاه‌های مختلف کشور به شرح جدول زیر مصاحبه عمیق اکتشافی انجام شده‌است. این مصاحبه‌ها ابتدا تبدیل به متن و سپس در نرم‌افزار «مکس کیودی‌ای»

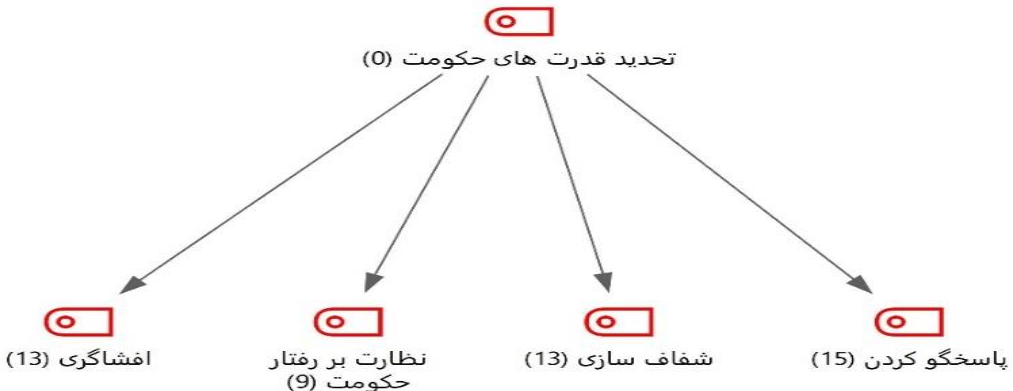
بارگذاری و کدگذاری شدند و به شکل‌های مختلف، مورد واکاوی و تحلیل کیفی قرار گرفتند.

نقش اصلی این شاخص که متشکل از چهار مؤلفه: «پاسخگو کردن»، «شفاف‌سازی»، «نظارت بر رفتار حکومت»، و «افشاگری» است در واقع حفظ نهاد حاکمیت قانون است که خود از زیرشاخص‌های بین‌المللی و استاندارد زیر تشکیل شده است:

اجرای مقررات؛ برقراری نظم و امنیت؛ رفاه در ابعاد گوناگون؛ عدالت مدنی؛ عدالت کیفی؛ دولت باز؛ عدم فساد؛

وزن مؤلفه‌ها یا زیر شاخص‌های این شاخص که در نتیجه تحلیل به دست آمده است به قرار زیر است:

«پاسخگو کردن» با وزن پانزده؛ «شفاف‌سازی» با وزن سیزده؛ «نظارت بر رفتار حکومت» با وزن نه؛ و «افشاگری» با وزن سیزده؛



مجموع وزنی مؤلفه‌ها در این شاخص پنجاه است که یکی از شاخص‌های اساسی حوزه قدرت جامعه، نسبت به حکومت محسوب می‌شود و توزیع وزنی آن‌ها در ماتریس زیر درج شده است.

بنابراین توزیع وزنی شاخص‌ها در ماتریس بالا گویای نقش بیشتر زیر شاخص «پاسخ‌گو کردن» و پس از آن نقش معنی‌دار دیگر زیر شاخص‌ها در تحدید قدرتهای حکومت در مؤلفه‌های حاکمیت قانون است.

تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

داده‌های گردآوری‌شده از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۱۸ نفر از صاحب‌نظران حوزه سیاست و ارتباطات، پس از طی سه مرحله کدگذاری

Code System	11.کد	12.کد	13.کد	14.کد	15.کد	16.کد	17.کد	18.کد	19.کد	SUM
تحدید قدرت های حکومت										0
افشاگری					1	3	3	1		8
نظارت بر رفتار حکومت	1				1	1		1		4
شفاف سازی	1		2					1		4
پاسخگو کردن				1	2	2	1		1	7
Σ SUM	2	0	2	1	4	6	4	3	1	23

Code System	20.کد	21.کد	22.کد	23.کد	24.کد	25.کد	26.کد	27.کد	28.کد	SUM
تحدید قدرت های حکومت										0
افشاگری		2	1		1	1				5
نظارت بر رفتار حکومت		2		1			1		1	5
شفاف سازی	1	3				1	2	1	1	9
پاسخگو کردن	2	1	1		1	1	1		1	8
Σ SUM	3	8	2	1	2	3	4	1	3	27

(باز، محوری و انتخابی)، در قالب چهار مقوله اصلی و هشت زیرمقوله استخراج شده‌اند. مقوله‌های اصلی عبارت‌اند از:

۱. پاسخگو کردن حکومت

۲. شفاف‌سازی عملکرد حاکمیت

۳. نظارت عمومی و جمعی

۴. افشاکاری و ایجاد بحران مشروعیت برای نهاد قدرت

هر یک از این مقوله‌ها، با زیرمقوله‌هایی همراه است که در ادامه شرح داده می‌شود.

پاسخگو کردن حکومت

توسعه فناوری‌های ارتباطی و ظهور شبکه‌های اجتماعی سبب شده است که بخشی از قدرت اعمالی حکومت، در معرض پرسش‌گری عمومی قرار گیرد. مصاحبه‌شوندگان متفق‌القول بودند که در شرایط کنونی، حتی نهادهای امنیتی، اقتصادی و قضایی ناچار به ارائه توضیح در برابر مطالبات عمومی در فضای مجازی هستند.

«دیگر نمی‌توان به راحتی تصمیمی گرفت و توقع داشت که جامعه خاموش بماند؛ افکار عمومی در شبکه‌های اجتماعی بلافاصله واکنش نشان می‌دهد» (کد مصاحبه‌شونده شماره ۷).

زیرمقوله‌های این مقوله عبارت‌اند از:

نقدپذیری نهادی

مطالبه‌گری افقی از سوی جامعه

شفاف‌سازی عملکرد حاکمیت

گسترش فناوری اطلاعات منجر به برجسته‌شدن خواست شفافیت شده است. با انتشار گسترده اسناد، قراردادهای و اطلاعات حکومتی در فضای

مجازی، بسیاری از فعالیت‌های نهادهای رسمی از حالت غیرقابل رؤیت خارج شده‌اند.

زیرمقوله‌ها

انتشار اطلاعات عمومی توسط کنشگران مستقل

شفافیت اجباری در نتیجه فشار مجازی

این روند به‌طور خاص، در حوزه‌هایی مانند بودجه، فساد مالی، و تصمیمات شورای شهر یا مجلس به چشم می‌خورد.

نظارت عمومی

فضای مجازی به بستر نظارت دائمی جامعه بر رفتار نهادهای حاکمیتی تبدیل شده است. این نظارت نه تنها بر مبنای قانون، بلکه بر اساس «اخلاق جمعی دیجیتال» اعمال می‌شود.

«در گذشته، فقط نهادهای رسمی ناظر بودند، اما اکنون شهروندان به ناظر تبدیل شده‌اند» (کد مصاحبه‌شونده شماره ۱۲).

زیرمقوله‌ها:

پایش شبکه‌ای تصمیمات حکومتی

نظارت همگانی توسط کاربران فعال

افشاگری

در بسیاری از موارد، فضای مجازی به عرصه افشاگری تبدیل شده است؛ چه در مورد فساد نهادهای قدرت و چه درباره تصمیمات ناعادلانه. این افشاگری‌ها گاه باعث بحران مشروعیت برای نهادهای حکومتی شده‌اند.

زیرمقوله‌ها:

افشای فساد ساختاری

بازتعریف روایت‌های رسمی در عرصه عمومی

در برخی موارد، انتشار یک فایل صوتی، فیلم کوتاه یا سند دیجیتال توسط کاربران یا رسانه‌های غیردولتی، آثار سیاسی گسترده‌تری از رسانه‌های رسمی به جا گذاشته است.

مقوله هسته: بازپیکربندی قدرت از طریق فناوری

تحلیل کلی داده‌ها حاکی از آن است که مقوله هسته یا مرکزی در نظریه برخاسته از داده‌ها، «بازپیکربندی قدرت سیاسی از مسیر فناوری‌های نوین اطلاعاتی» است. این مقوله هسته، سایر مقوله‌ها را در خود ادغام کرده و نشان می‌دهد که فناوری صرفاً ابزار نیست، بلکه عاملی ساختاری در تغییر مناسبات قدرت میان جامعه و حکومت است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی نهادگرایی جدید و روش تحقیق گراند تئوری، به تحلیل پدیده تحدید قدرت‌های حکومت در ایران از مسیر توسعه فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۳ پرداخت. داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق با نخبگان علوم سیاسی و اجتماعی، حاکی از آن است که در یک روند تدریجی اما مستمر، شبکه‌های اجتماعی و زیرساخت‌های دیجیتال در ایران به بستری برای بازتعریف و بازتوزیع قدرت سیاسی تبدیل شده‌اند.

بر اساس یافته‌ها، چهار مؤلفه اصلی در تحدید قدرت حکومت در فضای دیجیتال قابل شناسایی‌اند:

(۱) پاسخگو کردن نهادهای حکومتی؛

(۲) شفاف‌سازی عملکرد ساختارهای قدرت؛

(۳) نظارت عمومی توسط کاربران شبکه‌ای؛

(۴) افشاکاری ساختاری.

این مؤلفه‌ها، با زیرشاخص‌های جهانی حاکمیت قانون مانند عدالت، شفافیت، پاسخگویی و مبارزه با فساد، مطابقت دارند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که فناوری، در ایران نه صرفاً ابزار تکنیکی، بلکه به‌مثابه یک نهاد اجتماعی نوظهور، در مسیر مهار قدرت حاکمیتی ایفای نقش کرده است.

با این حال، این روند به‌شدت ناپایدار و دوسویه است. از یک‌سو، جامعه مدنی و شهروندان توانسته‌اند از ابزارهای دیجیتال برای مطالبه‌گری و کنترل قدرت استفاده کنند؛ و از سوی دیگر، حکومت نیز با سیاست‌هایی چون فیلترینگ، سانسور، و گسترش نظارت دیجیتال، تلاش کرده تا قدرت خود را بازتولید کند. این کشمکش نشان می‌دهد که تحدید قدرت حکومت از مسیر فناوری، نه یک فرآیند خطی، بلکه یک تعادل پویا و نهادین میان قدرت رسمی و قدرت شبکه‌ای است.

پیشنهادها

بر پایه نتایج پژوهش، پیشنهادهای زیر برای تقویت روند تحدید نهادینه قدرت و توسعه حکمرانی شفاف در ایران قابل ارائه‌اند:

۱. نهادینه‌سازی دسترسی آزاد به اطلاعات از طریق تصویب و اجرای قوانین شفافیت اطلاعات؛

۲. افزایش سواد رسانه‌ای و دیجیتال در سطح جامعه برای ارتقای کیفیت نظارت عمومی و مقابله با دست‌کاری اطلاعات؛

۳. تقویت نهادهای مستقل نظارتی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد، رسانه‌های آزاد و نهادهای قضایی مستقل در فضای مجازی؛

۴. توسعه چارچوب حقوقی برای حمایت از آزادی‌های دیجیتال شهروندان؛

۵. سیاست‌گذاری مشارکتی در حوزه ICT با حضور ذی‌نفعان اجتماعی، دانشگاهی و مدنی برای پرهیز از تصمیم‌گیری‌های متمرکز و امنیت‌محور؛

۶. استفاده از شاخص‌های جهانی حاکمیت قانون و دموکراسی دیجیتال به‌عنوان ابزارهای ارزیابی عملکرد حاکمیت در فضای دیجیتال.

جمع‌بندی نهایی

در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات می‌توانند به عاملی مؤثر در بازیگر بندی ساختار قدرت سیاسی در ایران بدل شوند، مشروط به آن‌که بستر نهادی و ظرفیت اجتماعی لازم برای آن فراهم گردد. نقش جامعه در بهره‌برداری از این ابزارها، نقشی فعال و نهادساز است، نه صرفاً مصرف‌کننده. بدین‌سان، آینده توسعه سیاسی ایران تا حد زیادی به تعادل نهادی میان قدرت رسمی و قدرت شبکه‌ای وابسته خواهد بود.

فهرست منابع

فارسی

۱. ازکیا، مصطفی و غلام‌رضا غفاری (۱۳۹۷)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: شرکت انتشارات کیهان.
۲. بابایی، محمود (۱۳۹۰)، فضای سایر و الگوهای گفتمانی: نقش ساز و کارهای اینترنت در شکل‌گیری الگوهای تعامل گفتمانی فضای سایر ایران، پایان‌نامه دکترا، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۹۴)، عقل در سیاست، تهران: نگاه معاصر.
۴. خانیکی، هادی (۱۴۰۱)، اندیشه پیشرفت و تحولات جدید جامعه ایران، تهران: نشر نی.
۵. راش، مایکل (۱۳۹۳)، جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
۶. ردادی، محسن و اصغر افتخاری (۱۳۹۰)، نظریه اعتماد سیاسی با تأکید بر گفتمان اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق.
۷. رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، مشارکت اجتماعی، وسیله یا هدف توسعه، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۰۹.
۸. سام آرام، عزت‌الله (۱۳۷۸)، نیاز صدا و سیما به تحقیق اسنادی، پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۱۹.
۹. سریع‌العلم، محمود (۱۳۸۲)، عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۰. سید امامی، کاووس و عبدالمطلب عبدالله (۱۳۸۸)، عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، مطالعه موردی شهر تهران، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۴، شماره ۴.
۱۱. عبدالهیان، حمید و احسن حق‌گویی (۱۳۸۸)، تبیین رابطه کاربری اینترنت و مشارکت سیاسی در ایران، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۰، شماره ۴.

۱۲. عجم اوغلو، دارون و جیمزای رابینسون (۱۳۹۳)، **چرا ملت‌ها شکست می‌خورند**، ترجمه محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی‌پور، تهران: انتشارات روزنه.
۱۳. عجم اوغلو، دارون و جیمزای رابینسون (۱۴۰۰)، **راه باریک آزادی**، ترجمه سید علیرضا بهشتی شیرازی و جعفر خیرخواهان، تهران: انتشارات روزنه.
۱۴. عجم اوغلو، دارون و جیمزای رابینسون (۱۴۰۱)، **ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی**، ترجمه جعفر خیرخواهان و علی سرزعی، تهران: انتشارات کویر.
۱۵. فوکویاما، فرانسیس (۱۴۰۰)، **نظم و زوال سیاسی**، تهران: انتشارات روزنه.
۱۶. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵)، **عصر اطلاعات ظهور جامعه شبکه‌ای**، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
۱۷. کاستلز، مانوئل (۱۴۰۲)، **قدرت ارتباطات**، ترجمه حسین بصیریان جهرمی، تهران: علمی فرهنگی.
۱۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۱۹. قلی‌پور، مجتبی (۱۴۰۲)، **اینترنت و رفتار سیاسی در ایران**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۰. مارگتس، هلن و [دیگران] (۱۳۹۹)، **آشفتنی سیاسی**، تهران: انتشارات کویر.
۲۱. مسعودی نیا، حسین و دیگران (۱۳۹۰)، **بررسی رابطه استفاده از اینترنت با رویکرد و مشارکت سیاسی (مطالعه موردی شهر اصفهان)**، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دوره ۱۴، شماره ۲.
۲۲. مهدی زاده، محمد (۱۳۹۱)، **نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی**، تهران: همشهری.
۲۳. واینر، مایرون و ساموئل هانتینگتون (۱۳۷۹)، **درک توسعه سیاسی**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲۴. ون دایک، جان (۲۰۱۲)، **جامعه شبکه‌ای**، ایالات متحده امریکا: سیج.

۲۵. ویندال، سون، بنو سینگایزر و جین اولسون (۱۳۷۶)، **کابرد نظریه های ارتباطات**، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای.

English

26. Alharahsheh, H. H., & Pius, A. (2020). A review of key paradigms: Positivism VS interpretivism. **Global Academic Journal of Humanities and Social Sciences**, 2 (3), 39-43.
27. Arnopoulos, Paris., "Sociopolitics: Political Development in Postmodern Societies," **Canadian Book Review Annual Online**, accessed July 26, 2024, <https://cbra.library.utoronto.ca/items/show/1909>.
28. B.Guy Peters.(2011), **INSTITUIONAL Theory in POLITICAL SCIENCE 3RD EDITION: THE NEW INSTITUTIONALISM**
29. Bretzer, Y. N. (2004), **How Can Institutions Better Explain Political Trust than Social Capital Does?**, University of Gothenburg, Sweden.
30. Gabriel, O. W. (1995), Political Efficacy and Trust, **The impact of values**, 357-389.
31. Harvey, D. 1989, **The Condition of Post modernity**. OXFORD, Blackwell.
32. Hetherington M. J (1998), The Political Relevance of Political Trust; **American Political Science Review**, Vol.92, No.4: 791-808.

33. **INSTITUIONAL Theory in POLITICAL SCIENCE 3RD EDITION: THE NEW INSTITUTIONALISM**
34. Kuhn, T. S. (1970). **Criticism and the growth of knowledge: Volume 4: Proceedings of the International Colloquium in the Philosophy of Science**, London, 1965 (Vol. 4). Cambridge University Press.
35. LaMond Tullis, F. (1973). **Politics and Social Change in Third World Countries**. Wiley.
36. Lipset, S. M. (1959), Some Social Requisite of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy, **The American Political Science Review**, 53(1): 69-105
37. Myers, M. D. (2008). **Qualitative Research in Business & Management**. SAGE Publications.
38. Petit, Christine (2004) **Social Movement Networks in Internet Discourse (Presented at the annual meetings of the American Sociological Association, San Francisco, August 17, 2004)**. <http://irows.ucr.edu/papers/irows25/.htm>. (accessed Jan. 10, 2011).
39. Sreberny, Annabelle & Khiabany, Gholam. (2010), **Blogistan: The Internet and Politics in Iran**. I.B.Tauris.
40. Wallace, R. A. & Wolf, A. (1995) **Contemporary Sociological Theory: Continuing the Classical Tradition**, fourth edition, Englewood Cliffs, New Jersey, Prentice Hall

41. Zavazava, Cosmas Luckyson (2024), **The ICT Development Index**, <https://www.itu.int/itu-d/reports/statistics/idi2024/>.